

فصل نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال دوازدهم، شماره چهل و هفتم، پاییز ۱۴۰۱
مقاله پژوهشی، صفحات ۹۹-۱۱۸

تکاپوی مالی و اجتماعی شیوخ صفوی در اداره طریقت و تأسیس صفویه (۹۰۷-۶۵۰)

نادر پروین^۱

فرهاد عمورضایی^۲

چکیده

حکومت صفویه (۹۰۷-۱۱۳۵) حاصل بیش از دو قرن تدارک صبورانه شیوخ صفوی جهت دستیابی به قدرت بود. صوفیه تا پیش از دوره شیخ صفی الدین اردبیلی به انزوا و دوری از مراکز قدرت سیاسی روی آوردند. از دوره شیوخ صفوی نوعی دگردیسی در اندیشه شیوخ صفوی رخ داد که از آن می‌توان به ورود تدریجی به سیاست با استفاده از تکاپوهای مالی و اجتماعی یاد کرد. تحقیق حاضر می‌کوشد با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی و روش کتابخانه‌ای به این پرسش اساسی پاسخ دهد که مهمترین تکاپوهای مالی و اجتماعی شیوخ صفوی در اداره بلندمدت و پایدار طریقت صفوی چه بوده‌است؟ به نظر می‌رسد که شیوخ صفویه در فرآیندی بلندمدت با استفاده از تکاپوهای مالی و اجتماعی مردم محور و غیر رسمی موفق به اداره طریقت و تأسیس حکومت شدند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شیوخ صفوی از طریق ایجاد پیوند بین مناطق روستایی و عشایری با نهاد شهر و استفاده از ظرفیت‌های مالی این سه نهاد، استفاده بهینه از درآمدهای مربوط به وقف، خمس، زکات و انفال، مدیریت مردم محور طریقت صفوی، تأکید بر لقمه حلال، بهره مالی از جهاد و غزا با کفار شروانشاهی، عنایت و توجه به اقشار ستمدیده و فقیر و بهره‌برداری از معافیت‌های دیوانی و مالیاتی اعطایی از حاکمان وقت، در فرآیندی بلندمدت و صبورانه موفق به تشکیل حکومت صفوی شدند.

کلیدواژه‌ها: شیوخ صفوی، صفویان، طریقت صفوی، نظام مالی صفویان.

۱. استادیار گروه معارف دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول). parvinnader@ilam.ac.ir

۲. استادیار گروه معارف دانشگاه ایلام. f.amoorezaei@ilam.ac.ir

تاریخ دریافت: ۰۱/۰۶/۲۵ تاریخ پذیرش: ۰۱/۰۸/۲۷

The financial and social efforts of Safavid sheikhs in the management of Tariqa and establishment of Safavid (650-907)

Nader Parvin¹

Farhad Amoorezaei²

Abstract

The Safavid dynasty (1135-907) was the result of more than two centuries of patient preparation of Safavid sheikhs to reach power. Until before the period of Şāfi al-Din Ardabili, the Sufis turned to isolation and distance from the centers of political power. during the period of the Safavid sheikhs, a kind of metamorphosis occurred in the thought of the Safavid sheikhs, which can be referred to as their gradual entry into politics using financial and social struggles. The present research tries to answer this basic question by using the descriptive-analytical approach and the library method, what were the most important financial and social efforts of the Safavid sheikhs in the long time and stable management of the Safavid Tariqa? The research hypothesizes that the Safavid sheikhs managed the Tariqa and established the government in a long process by relying on people and informal financial and social efforts. The results of the research show that the Safavid sheikhs, through creating links between rural and nomadic areas with the city institution and using the financial capacities of these three institutions, Optimized of incomes related to endowment (waqf), khums (xums), zakat and Anfal, people-oriented management of the Safavid Tariqa, Emphasis on clean bite, financial benefit from holy war with Shirvanshahs infidels, attention to the oppressed and poor layers and utilization of bureau and tax exemptions that granted by the concurrent rulers, in a long time and patient process, succeeded to establish the Safavid government.

Keywords: Safavid sheikhs, Safavids, Safavid Tariqa, Safavid financial system.

1. Assistant Professor, Department of Theology, Ilam University (Corresponding author). parvinnader@ilam.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Theology, Ilam University. f.amoorezaei@ilam.ac.ir

درآمد

مطالعه رهیافت‌های تبیینی اندیشه اجتماعی و اقتصادی صوفیان در دوره قبل از صفویه نشان می‌دهد که آنها دارای نوعی دغدغه خاطر نسبت به مسائل و رویدادهای زمان بودند و به اداره امور، مدیریت پیروان خود و جذب مریدان بر اساس شیوه‌های زاهدانه و ریاضت کشی اقتصادی می‌پرداختند، اما به دلیل شرایط زمان و عدم برنامه‌ریزی بلند مدت، مصادیق تکاپوهای اجتماعی و مالی آنان در حد آرمانی باقی مانده بود. به عبارت دیگر به نظر می‌رسد در دوره قبل از شیوخ صفوی بین اندیشه و عمل صوفیه نوعی شکاف و فاصله وجود داشت. از این جهت گرچه آموزه‌های مالی و ظلم‌ستیزانه شیعی، از جمله اعتراض جدی به شیوه‌های مالیات‌گیری و همچنین ایجاد پیوند با اصناف مختلف شهری و روستایی در نزد سران نهضت‌های شیعی - صوفی نظیر سربداران نمودی عملی یافت اما آنها فاقد آینده‌نگری و توان لازم جهت ارائه الگویی مالی، مادی و کارآمد برای اداره بهتر جامعه در بلندمدت بودند. در نتیجه نهضت‌های آنان در کوتاه مدت با شکست مواجه شدند. روندی که با طریقت صفویه متوقف شد و با روی آوری شیوخ صفویه به صحنه اجتماع و اتخاذ نوعی سیاست اقتصاد مردمی در فرآیندی بلندمدت موفق به تأسیس حکومت صفویه و ورود آنها به سیاست شد. از این جهت شناخت پیشینه مالی و شیوه‌های اداره طریقت صفوی در دوران شیوخ صفوی می‌تواند حلقه مفقوده مطالعات تاریخی مربوط به صفویه را تکمیل کند؛ زیرا مطالعات پیشین بر جنبه‌های سیاسی و مذهبی و عرفانی طریقت صفوی متمرکز بود و کمتر به نقش تکاپوهای اجتماعی و مالی شیوخ صفوی توجه شده است. به‌نوشته قزوینی (۷۶) در *لب التواریخ* که وقایع را تا سال ۹۴۸ ذکر کرده است، شیوه مالی و اداری اوزون حسن (متوفای ۸۸۲) تا دوره شاه طهماسب اول در ایران رایج بوده است اما تکاپوی شیوخ صفوی می‌تواند به عنوان شیوه غیررسمی و مردم محور از کنش اقتصادی و اجتماعی که کمتر مورد توجه مورخان بوده، مورد بررسی قرار گیرد. مسئله اصلی پژوهش این است که شیوخ صفوی چگونه و با استفاده از چه مؤلفه‌هایی از گفتمان تصوف صرف عبور کرده و به کنش اقتصادی، اجتماعی و عمل

سیاسی روی آوردند که حاصل آن شکل‌گیری حکومت شیعی صفویه شد؟ به نظر می‌رسد اندیشه شیوخ صفوی در اثر گذشت زمان و آشنایی با شرایط زمان در بهره‌برداری از رویکردهای دنیوی و مالی که لازمه اداره و تأسیس حکومت بود، دچار تحول شده بود. بررسی و واکاوی آن تحول می‌تواند بر چگونگی تأسیس حکومت صفویه پرتویی جدید بیافکند. بدیهی است که تکاپوهای مالی و اجتماعی شیوخ صفوی در اداره طریقت صفوی که منتج به تأسیس حکومت صفویه شده‌است دو متغیر اصلی پژوهش هستند.

پیشینه پژوهش

تاکنون تحقیقی درباره نقش تکاپوهای مادی، اقتصادی و اجتماعی شیوخ صفوی در اداره طریقت صفوی و فرآیند دستیابی آنان به قدرت سیاسی انجام نشده‌است. به عنوان نمونه فلور (۱۳۹۵ش) در کتاب *تاریخ مالی ایران در روزگار صفویان و قاجاریان*، مطالب بسیار مهمی درباره اداره مالی ایران زمین، شیوه‌های مالکیت و مالیات‌گیری، صرفاً در دوره حکومت صفویه به دست داده است. امیری (۱۳۷۹ش) در مقاله «تشکیلات مالی حکومت صفویه» معتقد است در دوره شیوخ صفوی و همچنین در دوره اول حکومت صفوی همچنان تشکیلات مالی اوزون حسن (متوفای ۸۸۲) برپا بوده‌است. عقیلی (۱۳۹۴ش) در مقاله «نسبت حاکمیت سیاسی و حیات اقتصادی در دوره اول حکومت صفویه»، صرفاً به بررسی رابطه سیاست و اقتصاد در دوره تأسیس حکومت صفویه اشاره می‌کند و معتقد به رابطه عمودی بین حاکمیت و نهادهای اجتماعی و اقتصادی بوده‌است. موسوی دالینی و همکاران (۱۳۹۷ش) در مقاله «کاربرد اصطلاحات مالی در نظام دیوانی عصر صفویه»، بعضی از اصطلاحات تخصصی نظام دیوانی عصر صفویه را مورد بررسی قرار داده‌اند. محبوب فریمانی و خسرو بیگی (۱۳۹۵ش)، در مقاله «دفاتر مالی در نظام دیوانسالاری عصر صفوی»، به عنصر تداوم در ساختارهای ایران زمین از دوره ایلخانان تا صفویه اشاره کرده‌اند. در پایان‌نامه معبودی‌فر (۱۳۷۵ش) با عنوان «نحوه تلفیق شریعت، طریقت و سلطنت از شیخ صفی

تا شاه اسماعیل اول» و پایان‌نامه ناصح ستوده (۱۳۸۹ش) با عنوان «مبانی نظری و عملی نهضت‌های شیعی، صوفی در ایران (قرن ۱۰-۷ هجری)» نیز به بعضی تکاپوهای اجتماعی و مالی شیوخ صفویه اشاره شده‌است. دو اشکال متوجه مطالعات پیشین است: نخست آنکه تمرکز بیشتر آنها بر اقتصاد و نهادهای رسمی حکومت صفویه است و کمتر به نقش شیوخ صفوی در اداره مالی خانقاه و طریقت صفویه که عمدتاً به صورت غیر رسمی و مردم محور انجام پذیرفته، پرداخته شده‌است. دوم آنکه در مطالعات انجام شده راجع به شیوخ صفوی عمدتاً رویکرد مذهبی و عرفانی طریقت صفوی برجسته‌سازی شده‌است و به تکاپوهای مالی و اجتماعی رهبران این طریقت توجه نشده‌است. بنابراین در تحقیق حاضر ابعاد دیگری از فعالیت‌های شیوخ صفوی در عبور از انزوا و ورود عملی به قدرت سیاسی با استفاده از رویکردهای مالی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است.

تکاپوهای مالی و اجتماعی شیوخ صفوی

الف) شیخ صفی

اجداد شیخ صفی الدین به سبب اشتغال به دامداری دارای ثروت و مکنت بودند. کسروی (۶۸) در کتاب شیخ صفی و تبارش، فیروزشاه زرین‌کلاه را اولین فرد از اسلاف خاندان صفوی معرفی می‌کند که «حواشی و اغنامش بعدد ثوابت و سیار و غلامان و خدامش زیاده از مرتبه حساب و شمار» بود (خواندمیر، ۱۰/۴). از آنجا که زرین کلاه آگاه به علوم و مذهب بود (ابن بزاز، ۱۲)، بنابراین اولین شخص شناخته شده از این خاندان است که توأمان، توان مادی و معنوی داشته است. در باب توانمندی‌های مادی اسلاف شیخ صفی، از این سخن زاهدی (۱۳) در سلسله‌النسب صفوی که می‌گوید اجداد صفویه در شمال ایران جابجا می‌شدند، برمی‌آید که احتمالاً آنها حشم دارانی بودند که در جستجوی چراگاه از جایی به جای دیگر در حرکت بوده‌اند. در احوال جبرئیل، پدر شیخ صفی نیز، تعلق خاطر او به عوالم معنوی توأم با پایگاه مالی و اجتماعی گزارش شده‌است. زیرا وی به خواجه کمال‌الدین عربشاه

اردبیلی از مشایخ روزگار ارادت داشت، و هم‌زمان از راه زراعت و حشم داری صاحب مال و مکت فراوان بود (ابن بزاز، ۷۶). بنابراین معلوم می‌شود که شیخ صفی در عقبه خود، خاندانی با مکت دنیایی و مقامات معنوی داشته است و خاندان او در اجتماع صاحب جاه و نام بودند. هر چند نقش شیوخ متأخر صفوی یعنی فرزندان شیخ صفی در دادن صبغه سیاسی و اقتصادی به طریقت صفوی بیشتر به چشم می‌آید، با این حال موقعیت مادی و معنوی آنها، همانند اجدادشان، همواره برقرار بود و این دو عامل توأمان در جلب مریدان و ارتقای اندیشه اجتماعی صوفیه به مقام کشورداری مؤثر بوده‌است.

صفوه الصفا که اثری درباره زندگانی و احوال شیخ صفی است، تولد شیخ را ۶۵۰ هجری (همان، ۵۵)، مقارن با روزگار تسلط مغول‌ها بر ایران ذکر می‌کند. او در شش سالگی، پدرش را از دست داد و همه مال و منال پدر به او رسید. ابن‌بزاز رسیدن به چنین دارایی را از میمنت قدوم او می‌داند. بنابراین شیخ در همان اوان کودکی صاحب مکت دنیایی بود و جالب آنکه تمایلات معنوی وی نیز توأم با توانایی‌های مادی او، آشکار می‌شود (ابن کربلایی، ۶۰/۱). ابن بزاز (۴۷۶، ۵۷۸) در جایی اشاره می‌کند که شیخ از مطالعه رساله و مقالات، دیگران را حذر می‌داده و مرد را اهل عمل و معامله می‌دانسته است نه اهل قیل و قال، که حجاب راه است.

شیخ صفی همواره مورد توجه و عنایت حاکمان ایلخانی از جمله غازان، ابوسعید و همسرش بغداد خاتون و امیر حسین جلایری بود. خواجه رشید الدین فضل الله، وزیر غازان هر ساله مخارج خانواده شیخ صفی را به صورت نقدی و جنسی به اردبیل ارسال می‌کرد (همدانی، ۲۷۰-۲۶۵). او در نامه‌ای خطاب به پسرش میراحمد، حاکم اردبیل سفارش کرد که در برخورد با مردم اردبیل چنان باشد که شیخ از او راضی و شاکر باشد؛ «می‌باید که ایام و لیالی، اهالی و رعایا و اعیان اردبیل را به اشعه معدلت ساطع و به انوار مکرمات لامع گردانی و چنان کنی که طرف امن و امان در مرغزار او چران باشد... و ثغر مملکت مبتسم و عقد دولت منتظم گردد... و نوعی سازی که جناب قطب فلک حقیقت شیخ صفی المله و الدین از تو راضی و شاکر باشد... می‌بایست چون مور

کمر به خدمت او بسته داری...» (همان، ۳۱۱-۳۰۸). طبق آنچه گفته شد، تاریخ خاندان صفوی با مکتب و تمول گره خورده و این مسئله، جهت اتخاذ رویکردی عملگرا در ورود به سیاست توان مناسبی بدانها اعطا کرده است. از آنجا که شیخ صفی همواره از کودکی مجاور بارگاه پدر و سپس در جوانی تا پیری به مدیریت مالی و معنوی مریدان خود در اردبیل می‌پرداخت (همان، ۶۰)؛ طریقت صفوی در وضعیتی بود که در آن، صوفیه در حال تجربه گرایش روزافزون عامه به شیوخ صفوی و ورود به عرصه سیاست و کنشگری اجتماعی و اقتصادی بودند. سانسون (۲۰۷) می‌نویسد: «کوشش شیخ صفی الدین در تأسیس فرقه‌ای خاص که تا آن حد با دیگر فرق مسلمین تفاوت داشت ابداعی قابل تحسین بود که از شورش مردم به تحریک ترک‌ها، تاتارها و یا هندی‌ها که همه در همسایگی بودند، جلوگیری می‌کرد». در حقیقت اجتماعی کردن تصوف یکی از مهمترین اقدامات شیخ صفی بود؛ زیرا از نظر او ظهور حالات و رفتار نیکو و نه خانقاه‌نشینی صرف، تصوف حقیقی بوده‌است (ابن بزاز، ۵۲۴).

با اتصال به شیخ زاهد، شیخ صفی الدین به خان بزرگی تبدیل شد. بعدها، نهضت صفوی از راه نثار این اموال بر مریدان و نیازمندان آستان خانقاه، آوازه‌ای در جلب و بسیج مریدان به هم زد (خواندمیر، ۴/۱۵۴). ذکر چند نکته در سخنان شیخ زاهد گیلانی، نشان دهنده آینده‌نگری شیخ صفی و تمایل جدی وی برای ورود به صحنه اجتماع و کنشگری فعال بوده‌است: ۱- بشارت به پیروان قبل از پیوستن صفی الدین به او: «ای مریدان، مژده باد شما را که شیخ المعصومین و عارف به علوم اسرار حضرت رب العالمین شیخ صفی الدین اسحاق موسوی، شفقت کرده به جانب بقعه من می‌آید» (عالم آرای صفوی، ۱۱). ۲- پیش‌بینی بقا و پیشرفت فرزندان شیخ صفی تا زمان ظهور: «اولاد این سرور، عالمگیر خواهند بود و روز به روز در ترقی خواهند بود، تا زمان قائم آل محمد صلی الله علیه و آله، حضرت مهدی هادی علیه السلام، کاف کفر از روی زمین بر خواهند گردانید» (قزوینی، ۲۳۶).

با این مقدمات، مستوفی (۶۷۵)، معاصر شیخ صفی، درباره او می‌نویسد: «شیخ صفی‌الدین اردبیلی در حیات است و مردی صاحب وقت و قبولی عظیم دارد و به

برکت آنکه از مغول او را ارادتی تمام است بسیار آن قوم را از ایذا به مردم رسانیدن باز می‌دارد و این کاری عظیم است». به طور کلی در احوال شیخ بزرگ صفویان، سیمای یک شیخ زاهد دیده نمی‌شود بلکه وی برخلاف بزرگان مشایخ، در تملک و برخورداری از نعمت‌ها بر خود محدودیتی قائل نبوده است. خوراک و پوشاک او فراتر از حد نام و آوازه زهد اوست (ابن بزاز، ۱۹۲، ۶۵۸). بنابراین بر اساس مدل شیعی به درآمد پایدار خمس و زکات روی آورد (کردعلیوند، ۱۴۴). شاید براساس این سوابق بوده که شوشتری (شهادت ۱۰۱۹؛ ۴۲/۲) در کتاب معروف خود *مجالس المؤمنین*، شیخ صفی الدین را شیعه مذهب معرفی می‌کند. در تذکره شیخ صفی الدین اردبیلی (۲۳)، شیخ صفی مذهب خود را مذهب صراط المستقیم معرفی کرده که «به قدر مویی از امر محمد مصطفی و علی مرتضی خارج نشده» است.

ب) صدرالدین موسی

صدرالدین، جانشین شیخ صفی جدای از موقعیت اجتماعی خویش که به واسطه پناه دادن به عامه ستم‌دیده کسب کرده بود، در راستای تقویت و تحکیم موقعیت صفویه، مقبره‌ای برای پدر ساخت که مرکزی برای اجتماع مریدان پرشور شد و امرا و حاکمان آنجا را تکریم و تعظیم می‌کردند (طهرانی، ۴۷۰). براساس اسناد مالی مربوط به بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی که در سال ۱۳۸۷ش به چاپ رسیده و در بردارنده فهرستی از اسناد شرعی، احکام و فرمان‌های مالی است، این بقعه، عمارت خاص شیوخ صفوی بوده که در میدان عالی قاپوی اردبیل و در مرکز شهر اردبیل قرار داشت و دارای قسمت‌های مختلفی همچون شربت‌خانه، چینی‌خانه، گنبد الله الله و جنت سرا بود. اداره این قسمت‌ها بدون تکاپوی مالی امکان‌پذیر نبوده است (شیخ الحکمایی، ۲۳). به عبارتی تأسیس بقعه شیخ صفی در مرکز شهر اردبیل می‌تواند نشانگر فهم شیخ از لزوم پیوند شهر با مقوله درآمدزایی و اتخاذ سیاست عملی باشد. به گفته ابن‌بزاز (۶۴۳) «از اقطار امصار بدانجا روی می‌آوردند و این قبه نورانی قبه دعای اقصی و ادانی جهان شد». به قول حسینی قمی (۲۲/۱)، ساخت بقعه، «ابواب فواید و عواید» را برای صفویه

باز کرد. فوایدی که موجبات رونق خانقاه شیخ صفی در دوره‌های بعد شد (زرین کوب، تصوف ایرانی، ۶۶). اولین مورخ صفوی، امینی هروی (۲۶) در خصوص این مرقد می‌نویسد: «امروز مطاق طوایف طایفان آسمان و زمین است». به نوشته جعفریان (۵۱۶/۲)، این مقبره «از تسنن تا تشیع را بر محور تصوف پیمود».

شیخ صدرالدین، جانشین شیخ صفی به اندازه‌ای به امور مالی مشغول شد که پدرش گفت: «دیه مخر و به دیه خریدن مشغول مشو که چون به دیه خریدن مشغول شوی به این طالبان که مشغول شود، می‌مانی» (ابن بزاز، ۶۴۴). هر چند شیخ صفی فرزند را از امور دنیوی بازداشته، گویی این امر، سنت تخلف‌ناپذیر در خاندان صفوی بوده‌است و آنها مقامات مادی و معنوی را یکجا در نزد خود داشته‌اند و به صرف نهی پدر این سنت برچیده نشد. بر اساس مطالب کتاب صریح الملک، در فرمان سلطان ابوسعید بهادرخان (حک. ۷۳۶-۷۱۶) به مردم اردبیل تأکید شده که هیچ کدام از «جماعت مغول و تاجیک» حق تجاوز و مصادره املاک و موقوفات مقبره شیخ صفی الدین اردبیلی را ندارند (عبدی، ۷۸). با وجود این، روی کار آمدن شیخ صدرالدین با چنین ویژگی‌هایی، مصادف شد با دوره‌ای که در آن حکومت ابوسعید، آخرین حاکم ایلخانی در ایران سقوط کرد و از هر سو امرا و حکام محلی فرصت یافتند تا ادعای استقلال کنند و بر سر قدرت به نزاع و کشمکش پی در پی بپردازند. این امر باعث شد بسیاری از روستائیان و پیشه‌وران، خود را در کنف حمایت صدرالدین قرار دهند و بر تعداد مریدان او روز به روز افزوده شود (پارسادوست، ۱۲۸). بدین ترتیب وی با اتکاء به مقام مادی خود، پناه ستم‌دیدگان شد و همان نقشی را ایفا کرد که مشایخ صوفی بعد از مغول داشتند و از قبل آن، صاحب جایگاه اقتصادی و اجتماعی کم‌نظیری شدند.

یکی از مریدان صاحب نام شیخ در آن دوره سید قاسم انوار بود که در سیره عملی بر لقمه حلال تأکید می‌ورزید و ظهور حقایق و معرفت را منوط به آن می‌کرد (واعظ کاشفی، ۴۲۱/۲). او اهل شفقت و ترحم و بسیار عالی همت بود و طالبان بی‌بضاعت و بیماران را مورد توجه قرار می‌داد (همان، ۴۲۲) و با تلاش‌های خود در خراسان، طریقت صفویه را مقبول ساخته بود. جدا از این مورد، در آن دوره طریقت نقشبندیه در

خراسان و ماوراءالنهر فعالیت می‌کردند که بر کسب و کار و معیشت حلال تأکید و حضور و فعالیت در میان مردم و کمک به هم نوع را مایه خیر تلقی می‌کردند (بخاری، ۴۹-۴۸، ۷۰) که نتیجه آن گسترش نفوذ این طریقت در میان روستانشینان، کشاورزان، بازاریان و پیشه‌وران و شکل‌گیری نگاهی مثبت به ثروت و قدرت در بین صوفیه (واعظ کاشفی، ۴۵۷/۲) تحت عناوینی از جمله «کمک و خدمت به خلق» و «حفظ قدرت» به منظور امر به معروف حاکمان در خدمت به خلق به عنوان «بهترین عمل» بوده‌است (احرار، ۱۹۹، ۲۱۴، ۲۲۳). طریقت صفوی زمانی به خواجه علی سپرده شد که شیخ صدرالدین آن را با توانمندی‌های خود به شرایط مطلوب رسانده بود و خانقاه صفوی با کسب جایگاه معنوی و مالی در سیاست و در نزد حکام، جلب مریدان پرشور و توانمندی‌های اقتصادی، مستعد تحولات بزرگ شده بود.

ج) خواجه علی

قابلیت‌های مادی که خواجه علی در اردبیل آن روزگار به عنوان کانون قدرت ایجاد کرد، تیمور ارادتمند به مشایخ صوفیه را واداشت که به احترام خواجه علی، ده هزار اسیر رومی را آزاد سازد و روستاها و مزارع زیادی را وقف خانقاه و بقعه شیخ صفوی کند. وقف نامه تیمور لنگ بر شیوخ صفوی همراه با نسب‌نامه‌ای که دلالت بر سیادت خاندان صفویه دارد، کشف شده‌است که در طوماری حدود شش متر و عرض سی و هفت سانتی‌متر تنظیم شده و دارای تاریخ ۸۰۶ هجری است (صفوی، ۷۵). شیوخ صفوی خود نیز با انگیزه‌های معنوی و عرفانی از جمله مبارزه با مسائل نفسانی و خدمت به خلق خدا به وقف می‌پرداختند که در امر اقتصادی تأثیرگذار بود. با این همه، اسیران آزاد شده که بعدها تحت نام روملوه‌ها از مریدان و بانیان صفویه شدند، آزادی رفت و آمد به آناتولی و معافیت دیوانی و مالیاتی به دست آوردند (میرزاسمیعا، ۲۴۲). از آنجا که در «دفتر توجیهات»، اصطلاحی که در آن دوره رایج شده و میزان وجه دریافتی از هر شخص در آن ثبت می‌شده، اشاره‌ای به افراد این قبیله نشده، می‌توان گفت این معافیت‌ها بلند مدت بوده‌است (مازندرانی، ۹۳).

نسخه خطی صریح الملک که به فرمان شاه طهاسب صفوی در سال ۹۷۵ به نگارش درآمده، شرح مبسوطی از املاک، رقبات و عمارات وقفی دوره شیوخ صفوی را به دست داده است. در این اثر به دو مسئله مهم اشاره شده است: نخست آنکه متولی املاک موقوفه در اردبیل که شامل حدود سه هزار باب خانه و املاک می شده است در خانواده شیوخ زاهد به عنوان نمایندگان شیوخ صفوی، موروثی بوده است. دوم آنکه در دوره شیوخ صفوی شهر اردبیل و قسمت‌های مختلف بازار این شهر از جمله بازار بزرگ، تیمچه‌ها و سراها از موقوفات بقعه شیخ صفی به شمار می‌رفته که درآمد و عواید حاصل از آن صرف مخارج بقعه می شده است (عبدی، ۶۷). قدیمی‌ترین سنگ‌نوشته منتسب به دوره خواجه علی که در اردبیل کشف شده و تاریخ آن با نسخه *صفوه الصفا* در کتابخانه ایاصوفیه ترکیه مطابقت دارد، حاکی از آن است که برخلاف نظر مورخانی مانند کسروی و ولید طوغان که معتقد بودند در آن دوره تنها از واژه شیخ یا خواجه خطاب به شیوخ صفوی استفاده می‌شده، واژگانی از قبیل «ولایت آثار، کرامت پناه و سید السادات» نیز استفاده شده است (یوسفی، «تحلیلی بر سیادت صفویان»). در آن دوره مریدان طریقت صفوی از نمادهایی چون «لباس سیاه» و «پرچم سیاه» استفاده می‌کردند که بدون شک تهیه این نمادها در تعداد بیشتر مستلزم منابع مالی پایدار بوده است. در همین راستا، نصب علم در مقبره شیخ صفی که گفته می‌شد علم پیامبر است نیز حاکی از رشد مالی و اجتماعی نهضت صفویه است (زرین کوب، جستجو در تصوف ایران، ۶۷). کنشگری اجتماعی و تکاپوهای مالی خواجه علی به همین موارد ختم نشد. وی با تلاش و کوشش بسیار، پیروان بازمانده از نهضت شیخ بدرالدین، را به نهضت صفوی در اردبیل جذب کرد (همان).

د) شیخ ابراهیم

بارگاهی که پیشتر برای شیخ صفی ساخته شد، در دوره شیخ ابراهیم مملو از ظروف و اوانی سیم و زر بود. شیخ ابراهیم بر اساس انباشت ثروت، چنان اطوار و شمایل پادشاهانه به خود گرفته بود (ترکمان، ۱۷/۱) که این شیخ به «شیخ شاه» معروف شده



بود و مردم نسبت به او ارادت تمام نشان می‌دادند. چنان که «احدی از مردم آن ولایت (اردبیل) را از فرمان واجب الاذعانش مجال تخلف محال می‌نمود و از فواضل انعام و اکرامش فقرا و محتاجان بل عموم ساکنان آن دیار بهرور می‌گشتند» (همان). زین الدین محمد واصفی نیز در کتاب *بدایع الوقایع* در ذکر مسائل مالی دوره حکومت الغ بیک میرزا (۸۵۳-۷۹۵)، مصادف با امارت خواجه علی و شیخ ابراهیم می‌نویسد، میزان و مبلغ مالیات‌های دائمی را در دفتری مخصوص ثبت می‌کردند که شخص مالیات دهنده و محل سکونت وی نیز قید می‌شد (واصفی، ۱۲۳/۲). از آنجا که در این دفاتر نام شیوخ صفوی ذکر نشده، نشان می‌دهد که آنها با لطایف الحیل، طریقت صفوی را از پرداخت مالیات معاف کرده بودند.

ه- جنید

پس از درگذشت ابراهیم در سال ۸۵۱، فرزندش جنید بر مسند صفویه تکیه زد (قزوینی، ۲۳۸). جنید به قدرت معنوی صرف راضی نبود و با تحریک مریدانش به جهاد علیه کفار روحیه جنگجویی و درآمدزایی را در طریقت وارد ساخت (مزاوی، ۱۵۱). از همین‌رو «رکن اعظم ارشادش تحریض ارباب ارادت به غزا و جهاد با کفار نا به‌کار بود، روز به روز اسباب حشمتش می‌افزود و جمعیت ارباب ارادت و اخلاص زیاده‌تر می‌گشت» (ترکمان، ۱۷/۱). این دوران، دوران دگرگونی اساسی در طریقت صفویه و تبدیل آن به یک نهضت تمام عیار است (حسینی قمی، ۲/۱).

وقایع نگار ونیزی مارینو سانوتو^۱ که مدتی بعد از تحرکات جنید، به نواحی شرقی سفر کرده بود، می‌نویسد: «چهار پنجم مردم ترک زبان آسیای صغیر شیعه بودند و به صفویان حسن توجه داشتند» (مارینو، ۴۷۵). همزمان شایعاتی پخش شد که دولت مهدی موعود به رهبری جنید برپا خواهد شد و جنید در رکاب مهدی موعود خواهد جنگید (زرین کوب، جستجو در تصوف ایران، ۳۸۰). امری که در عصر شیخ پیشین صفویه یعنی خواجه علی نیز خود را نشان داد و در احوال دیگر مشایخ صاحب نهضت

1. Marino Sanotto

آن دوران نظیر سیدمحمد نوربخش نیز دیده می‌شود (روملو، ۲۳۱/۱). فعالیت تبلیغاتی جنید که هم جنبه معنوی و هم زمینه اجتماعی و اقتصادی داشت، از اربل آغاز شد. این فعالیت‌ها تشکیلات فرقه‌ای شیعی را نضج بخشید. اتخاذ این روش منجر به اختلاف بین وی و شیخ اویس اربلی شد. دامنه این اختلاف حتی به زندگی خصوصی شیخ جنید نیز کشیده شد و به جدایی وی از همسرش (دختر شیخ اویس اربلی) انجامید (هیتس، ۲۹-۲۵).

در تحلیل تکاپوهای اجتماعی و اقتصادی جنید مؤلفه‌های جدیدی مانند سلطنت صوری و معنوی و جنگ با کفار به گفتمان‌های پیشین اضافه شد؛ به صورتی که که قزوینی (۲۳۸) در *لب التواریخ* می‌نویسد: «اما ابتدای سلطنت این طایفه قدسیه در زمان حضرت سلطان جنید بود. شرح این حال بر سیل اجمال و ایجاز آنکه چون نوبت ارشاد به حضرت جنید... رسید آن حضرت داعیه سلطنت صوری فرمودند و در تقویت دین مصطفوی و ترویج مذهب حق امامی مرتضوی کوشیدند و پیوسته تحریض ارباب ارادت به غزو کفار می‌نمودند». در متن فوق مهم‌ترین مؤلفه مالی و اجتماعی، سلطنت صوری است که در دوره جنید ظهور و بروز پیدا می‌کند. علاوه بر سلطنت معنوی و دینی که از زمان شیخ صفی الدین به این خاندان منتقل شده بود، آنها در زمان جنید مدعی سلطنت صوری هم شدند، تا قدرت دینی و دنیوی را با هم دارا باشند؛ یعنی بر تمام ابعاد زندگی مردم جامعه اسلامی سلطه پیدا کنند. در واقع در آن دوره در اندیشه شیوخ صوفیه نشانه‌هایی با بار معنایی اجتماعی و مالی با جدیت بیشتر نسبت به دوره قبل مطرح می‌شود که هر کدام قابلیت خاصی برای تأثیرگذاری بر ذهنیت سوژه‌های متعدد انسانی دارد. یعنی مؤلفه‌های شهادت و جنگ با کفار جدا از اینکه مسئولیت و وجوب جهاد علیه کفار و کسب غنائم را برای مسلمانان به همراه داشت، در ضمن نوعی مشروعیت بخشی به قدرت‌یابی صوفیان بود. این تفکر به معنای تبدیل خرقة به لباس رزم، خانقاه خلوت‌نشینان به کارگاه اسلحه‌سازی، تسبیح و ذکر و ورد صوفیانه به شمشیر و نیزه، خشونت به نام جهاد و پناه دادن به ضعفا و اطعام فقرا بود.

و) حیدر

مرگ جنید پایانی بر طریقت صفوی نبود. با وجود مریدان پرشور و معتقدان به شیخ صفی و وجود کانونی ثروتمند همچون خانقاه اردبیل، جانشین جنید، کم و بیش راه او را در پیش گرفت. به خصوص اینکه حیدر به دلیل تمکن مالی به حرفه «سیافی»^۱ بیشتر توجه داشت (روملو، ۶۱۱/۱). از این جهت درصدد سازماندهی بیش از پیش پیروان برآمد. کلاه دوازده ترک برای آنها طراحی کرد که به تاج حیدری معروف بود (عالم آرای شاه اسماعیل، ۳۰). مؤلف کتاب علوی‌گری در آناتولی در قرن شانزدهم که به بسیاری از اسناد و دفاتر دیوانی عثمانی دسترسی داشته، ضمن آنکه بیشتر ساکنان و قبایل آناتولی از جمله طوایف «سلاق لو» و «پهلوانلو» در نواحی سلانیک، سیواس، توقات، ازمیر و مانیسا را از طرفداران شیوخ صفوی و در زمره قزلباش‌ها قلمداد کرده، درباره کمک‌های مالی و اهدائی روستاییان و قبایل قزلباش آناتولی به شیوخ صفوی چنین می‌گوید: «در دفاتر مهمه عثمانی اسناد زیادی به دست آمده که نشان می‌دهد بسیاری از رهبران و بیگ‌های قزلباش و روستاییان آناتولی برای شیوخ صفوی پول، نذر و قربانی جمع کرده و به ایران ارسال می‌کردند» (ساواش، ۷۶). در بسیاری از اسناد دیگر، تعداد زیادی از زنان آناتولی اشیاء زینتی خود را برای شیوخ صفوی ارسال می‌کردند (احمد پاشا، ۱۳۴). کمک‌های مالی قزلباش‌های آناتولی به شیوخ صفوی به حدی بوده‌است که عثمانی‌ها به عمد و به جهت بدنام کردن قزلباش‌ها، آنها را متهم به دزدی اموال برای شیوخ صفوی می‌کردند (ایو اوغلی، ۸۷). در اسناد عثمانی به خصوص از اعطای کمک‌های مالی قزلباش‌ها در مناطق مرزی ایران و عثمانی شامل نعل، میخ، آهن، فولاد، طلا و نقره به تعداد ۱۸۳ عرابه صحبت به میان آمده است (ساواش، ۱۴۵). در اسنادی دیگر قزلباش‌های آناتولی هر ساله پول چراغ برای خانقاه اردبیل می‌فرستادند، به گونه‌ای که خشم مقامات عثمانی از این کار برانگیخته می‌شد و تلاش می‌کردند که پولی در اختیار قزلباش‌ها گذاشته نشود (همان، ۱۴۷). این همه نشان

۱. مرد شمشیر زن را سیاف و حرفه شمشیرسازی را سیافی گویند (نک. دهخدا، ذیل «سیاف»).



می‌دهد که رهبران طریقت صفوی تا چه حد در تغییر خود به یک نهضت و جنبش از مؤلفه‌های مالی و اجتماعی بهره می‌بردند. بعد از طراحی این کلاه و استفاده از آن، مریدان، قزلباش خوانده شدند. این نماد، مریدان را یک دست کرد و امکان سازماندهی آنها را برای اهداف نظامی فراهم کرد. دلاواله (۱۲۴) در سفرنامه خود به آزادی و استقلال قبایل قزلباش و برخورداری از حقوق و مستمری منظم و اطاعت‌پذیری آنها از شیوخ صفوی به عنوان اعطا کننده پادشاه‌های مختلف در مناسبت‌های گوناگون اشاره می‌کند. همچنین وی به مطلبی اشاره می‌کند که نظریه سرسپردگی بی‌قید و شرط قزلباش نسبت به شیوخ و حاکمان صفوی را به چالش می‌کشد. زیرا به نظر او «همه قزلباش‌ها، سربازی را ترجیح می‌دهند و کسانی که بخواهند بدون مستمری زندگی کنند در بین آنان بسیار نادرند». با تحولات مالی که اهل طریقت در این دوره پشت سر می‌گذاشت، نمادها و الگوها نیز تغییر می‌کردند. «سلطنت صوری، علاوه پادشاهی معنوی شد، و خرقة درویشی به تشریف پادشاهی و طاقیه ترکمانی (کلاه مریدان) به تاج شاهی (کلاه دوازده ترک) تبدیل یافت» (واله اصفهانی، ۵۳).

در اوایل سال ۹۰۷ اسماعیل به پشت گرمی مریدان بسیاری که از طریق آبا و اجدادی او پیروی می‌کردند و به نام صوفیه در تمام آذربایجان، اران، ارمنستان و الجزیره پراکنده بودند از لاهیجان به اردبیل آمد و بعد از شش ماه به ناحیه ارزنجان رفت و در آنجا هفت هزار نفر از آنها که ترکان طوایف مختلف شاملو، استاجلو، تکلو، روملو، ذوالقدر، افشار و قاجار بودند به او پیوستند. در این خصوص صاحب کتاب *جهانگشای خاقان* (۱۵۶) می‌نویسد: «بعد از رسیدن صوفیان از اطراف ممالک از طوایف مختلفه قبیله شاملو، استاجلو، روملو، تکلو، ذوالقدر، افشار، قاجار، ورساق و صوفیه قراجه داغ که از آن جمله محمد بیک استاجلو بود با دویست نفر از اولاد و اتباع، و عبدین بیک شاملو با سی صد نفر شرف پای‌بوس دریافتند. خاقان صاحب قران از ایشان هفت نفر صوفی جوان یک دل و یک جهت انتخاب نموده، بقیه را به اغروق مقرر فرمودند که از عقب اردوی معلی بیایند». با اتکا بر این عوامل و تکاپوها بود که صفویه موفق به تأسیس حکومت شدند.

نتیجه

با تشکیل حکومت صفویه و نقش پررنگ شیوخ صفوی در این مهم، گسست میان عالم ایده (مبانی معرفتی و تبیینی) و عالم عین (ورود به سیاست در نتیجه تدابیر مالی و اجتماعی و مردم محور) در اندیشه و عمل صوفیه صفوی از بین رفت. در حقیقت شیوخ صفوی با استفاده از ظرفیت‌ها و شیوه‌های غیررسمی، مردمی و فراگیر که فارغ از هرگونه ساختارگرایی و فرایند رسمی و اداری بود، به اداره مالی طریقت صفوی پرداختند؛ بدین صورت که با استفاده از مقبولیت و محبوبیت اجتماعی در بین پیروان خود که مبتنی بر زهد گرایی، زندگی مقصدانه، پرهیز از اسراف گرایی، تجمل گرایی، صرفه جویی و مدیریت کارآمد منابع مالی بود، از طریق بهره‌برداری از ظرفیت‌های مالی جوامع روستایی و عشایری ایران و آناتولی، استفاده بهینه از درآمدهای مربوط به املاک وقفی، خمس، زکات، انفال و عواید ناشی از معافیت‌های دیوانی و مالیاتی اعطایی از حاکمان وقت، با اتکا به قابلیت و بلندپروازی خود پا در میدان ستیز و جدال گذاشتند تا کار به جایی رسید که طریقت در اثر تقابل با صاحبان قدرت، آزموده و مهیای تغییر و ظهور در شکل سلطنت شد و در فرآیندی بلندمدت و صبورانه به تشکیل حکومت صفوی منجر شد. شیوخ صفوی به خوبی می‌دانستند که نخستین شرط استقلال یک تشکیلات، استقلال اقتصادی است و در این راه وقف، زکات و خمس که همواره ظرفیت‌های پنهان و پیدای خود را در مواجهه با تحریم‌ها، محدودیت‌ها و هجمه‌های حکومت‌ها و در نتیجه در شکوفایی اقتصادی نشان داده، بهترین عنصر برای کسب استقلال مالی و سیاسی در این دوران بوده‌است. به نظر می‌رسد شیوخ صفوی حداقل در این مورد تحت تأثیر آموزه‌های شیعی بوده‌اند. زیرا در اندیشه رهبران شیعی مناسبات اقتصادی از جمله نهادهای وقف، خمس، زکات و انفال به عنوان مهمترین مؤلفه‌های اقتصادی در مواجهه با بحران‌های بزرگ اقتصادی و همچنین عامل تداوم بقای انسانی بوده‌است که به اتخاذ راهکار راهبردی و تأسیس نهادهای توانمندی همچون نهاد وکالت در عصر حضور و نهاد مرجعیت در عصر غیبت برای برون رفت از شرایط خطرناک اجتماعی منجر شده‌است.

منابع

- ابن‌بزاز اردبیلی، درویش توکل ابن اسماعیل، صفوه‌الصفاء، تصحیح غلامرضا طباطبائی مجد، تهران، انتشارات زریاب، ۱۳۷۶ش.
- ابن‌کربلایی تبریزی، حسین، روضات‌الجنان و جنات‌الجنان، تصحیح جعفر سلطانی‌القرائی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴ش.
- احرار، خواجه عبیدالله، احوال و سخنان خواجه عبیدالله احرار، تحریر میر عبدالاول نیشابوری، تصحیح عارف نوشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۰ش.
- احمد پاشا، فریدون بیک، منشآت الاسلاطین، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۲۷۴ق.
- امیری، حکیمه، «تشکیلات مالی حکومت صفویه»، نشریه ایران شناخت، ش ۱۸ و ۱۹، پاییز و زمستان، ۱۳۷۹، ص ۱۷۳-۱۴۸. **Doi:10.23112/JHR.1999.21567.2134**
- امینی هروی، امیرصدرالدین، فتوحات شاهی، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳.
- ایو اوغلی، ابوالقاسم حیدر، مجمع الانشاء، تهران، نسخه خطی دانشگاه تهران، بی‌تا.
- بخاری، صلاح بن مبارک، انیس الطالبین و عده السالکین، تصحیح خلیل ابراهیم صاری اوغلی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳ش.
- پارسا دوست، منوچهر، شاه اسماعیل اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۵ش.
- تذکره شیخ صفی‌الدین اردبیلی به تاریخ ۹۴۹ هجری، نسخه خطی محفوظ در کتابخانه سن پترزبورگ روسیه، ترجمه داود بهلولی، تهران، نشر ادیان، ۱۳۸۸ش.
- ترکمان، اسکندریک، تاریخ عالم‌آرای عباسی، تهران، نگاه، ۱۳۴۴ش.
- جعفریان، رسول، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، قم، حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹ش.
- جهانگشای خاقان، به کوشش الله دتا مضطر، اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۵۰ش.
- حسینی قمی، قاضی احمد، خلاصه‌التواریخ، تحیح احسان اشراقی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۹ش.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن هماد، حبيب‌السير، تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران، ۱۳۲۳ش.

- دلاواله، پیتر، سفرنامه پیتر دلاواله (قسمت مربوط به ایران)، ترجمه شعاع الدین شفا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱ش.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
- روملو، حسن بیگ، احسن التواریخ، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، بابک، ۱۳۵۷ش.
- زاهدی، ابن ابدال، سلسله النسب صفوی، برلین، انتشارات ایران شهر، ۱۳۴۳ش.
- زرین کوب، عبدالحسین، تصوف ایرانی از منظر تاریخی آن، ترجمه مجدالدین کیوانی، تهران، سخن، ۱۳۸۶ش.
- _____، جستجو در تصوف ایران، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۶ش.
- سانسون، نیکلا، سفرنامه سانسون، وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی، ترجمه نقی تفضلی، تهران، ابن سینا، ۱۳۶۹ش.
- ساواش، صائم، علوی گری در آناتولی در قرن شانزدهم، استانبول، انتشارات وادی، ۲۰۰۲.
- شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المؤمنین، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۷۵ق.
- شیخ الحکمایی، عمادالدین، فهرست اسناد بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی، تهران، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷ش.
- صفوی، سید سلمان، شیخ صفی الدین اردبیلی در آینه عرفان، هنر و سیاست، لندن، انتشارات آکادمی ایران، ۱۳۹۳ش.
- طهرانی، ابوبکر، تاریخ دیاربکر، تصحیح فاروق سومر، تهران، طهوری، ۱۳۵۶ش.
- عالم آرای شاه اسماعیل، تصحیح اصغر منتظر صاحب، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹ش.
- عالم آرای صفوی، به کوشش یدالله شکری، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰ش.
- عبدی، زین العابدین، صریح الملک، نسخه خطی شماره ۱۳۴۲، کتابخانه ملی، ۹۷۵ق.
- عقیلی، سید احمد، «نسبت حاکمیت سیاسی و حیات اقتصادی در دوره اول حکومت صفویه»، تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، دوره جدید، ش ۲۸، پیاپی ۱۱۸، زمستان، ۱۳۹۴ش، ص ۲۱۳-۱۷۲.
- Doi:10.21108/JHR.2015.21765**
- فلور، ویلم، تاریخ مالی ایران در روزگار صفویان و قاجاریان (۱۹۲۵-۱۵۰۰م)، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس، ۱۳۹۵ش.

– قزوینی، یحیی بن عبداللطیف، لب التواریخ، تصحیح میر هاشم محدث، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۶ ش.

– کردعلیوند، پروین، «تحلیل گفتمانی تصوف صفوی از شیخ صفی تا شیخ حیدر، ۷۰۰-۸۹۳ق»، تاریخ اسلام، دوره دهم، ش ۴، مسلسل ۴۰، ۱۳۸۸، ص ۱۳۹-۱۶۷.

Doi:10.22033.RJNSQ.2010.327571

– کسروی، سید احمد، شیخ صفی و تبارش، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۲۳ ش.

– مارینو، سانتو، سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، خوارزمی، ۱۳۴۹ ش.

– مازندرانی، عبدالله محمد بن حسن بن کیا، رساله فلکیه، نسخه خطی، تهران، کتابخانه مجلس، شماره ۶۵۴۱، بی تا.

– محبوب فریمانی، الهه و هوشنگ خسروییگی، «دفاتر مالی در نظام دیوانسالاری عصر صفوی»، تاریخ نامه ایران بعد از اسلام، سال ششم، ش ۱۲، بهار و تابستان، ۱۳۹۵، ص ۲۵۱-۲۲۱.

– مزای، میشل، پیدایش دولت صفوی، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر گستره، ۱۳۶۸ ش.

– مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، به کوشش عبدالحمین نوایی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش.

– معبودی فر، ثریا، «نحوه تلفیق شریعت، طریقت و سلطنت از شیخ صفی تا شاه اسماعیل اول»، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ، راهنما: رضا شعبانی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵ ش.

– موسوی دالینی، جواد و همکاران، «کاربرد اصطلاحات مالی در نظام دیوانی عصر صفویه»، تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، سال بیست و هشتم، دوره جدید، ش ۳۷، پیاپی ۱۲۷، ۱۳۹۷، ص ۱۷۳-

Doi:10.22109/JHR.2018.22864.150

– میرزا سمعی، محمد سمیع، تذکره الملوک، تصحیح مینورسکی، مقدمه محمد دبیرسیاقی، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸ ش.

– ناصح ستوده، منیره، «مبانی نظری و عملی نهضت‌های شیعی - صوفی در ایران (قرن ۱۰-۷ هجری)»، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ، راهنما: حسن حضرتی و حسین ایزدی، دانشگاه اصفهان،

۱۳۸۹ ش.

– همدانی، خواجه رشید الدین فضل الله، مکاتبات رشیدی، تصحیح محمد شفیعی، لاهور، ۱۳۶۴ ق.

– هینتس، والتر، تشکیل دولت ملی در ایران، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، نشر کمیسیون معارف، ۱۳۴۶ ش.

– واصفی، زین‌الدین محمود، بدایع الوقایع، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹ ش.

– واعظ کاشفی، کمال‌الدین حسین، رشحات عین الحیات فی مناقب مشایخ الطریقه النقشبندیه و آدابهم النبویه و اسرارهم، تصحیح علی‌اکبر معینیان، تهران، بنیاد نیکوکاری، ۱۳۶۵ ش.

– واله اصفهانی، محمدیوسف، خلد برین (ایران در روزگار صفویان)، به کوشش میرهاشم محدث، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار، ۱۳۷۲ ش.

– یوسفی، حسن، «تحلیلی بر سیادت صفویان بر اساس سند نویافته باستان‌شناسی»، ۱۷ آذر ۱۴۰۲:

Retrieved Nov.12.2023.from <http://Iranian studies.org/fa/news/3445/>.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی